

بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان

تاریخ پذیرش: 1395/03/25

تاریخ دریافت: 1395/01/20

مجید کریم زاده¹

از صفحه 1 تا 32

چکیده

زمینه و هدف: قاچاق کالا با توجه به تأثیرات منفی که بر اقتصاد ملی دارد، همیشه مورد توجه کارشناسان حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است. از آنجایی که قاچاق کالا محصول عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی، سیاسی و ... است، برای کاهش آن نیاز به برنامه‌ریزی همه‌جانبه بوده و تنها از طریق برخوردهای نظامی و امنیتی این پدیده قابل کنترل نیست. هدف این پژوهش شناخت عوامل تأثیرگذار بر گرایش و گسترش قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان است.

روش‌شناسی: برای انجام این پژوهش از روش توصیفی، پیمایشی و تحلیلی استفاده شده و اطلاعات مربوط به پژوهش از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و آزمون t تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها و نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و عوامل اجرایی - مدیریتی در گسترش و گرایش به قاچاق کالا در شهرستان تأثیرگذار بوده و به ترتیب از نظر شهروندان عوامل اقتصادی دارای بالاترین و عوامل فرهنگی - اجتماعی دارای کمترین تأثیر بر گسترش قاچاق کالا هستند. آزمون فرضیه مربوط به تأثیر قاچاق بر وضعیت اقتصادی شهرستان نشان‌دهنده تأثیر مثبت قاچاق کالا بر وضعیت اقتصادی شهروندان است. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که قاچاق کالا تأثیر مثبتی بر وضعیت درآمدی، اشتغال (شغل‌های کاذب) و کاهش مهاجرت مرزنشینان به شهرها و حتی دلیلی برای بازگشت مهاجران اولیه به دلیل نبود کار و سودآور بودن قاچاق به مناطق مرزی شده است.

واژه‌های کلیدی: قاچاق کالا، وضعیت درآمدی و اشتغال شهرستان، مهاجرت مرزنشینان، سراوان.

قاچاق کالا پدیده‌ای است که تمامی اقتصادهای دنیا کم و بیش با آن روبرو هستند. این پدیده علاوه بر مشکلاتی که برای نظام تولید داخلی ایجاد می‌کند، بنا به ماهیت پنهانی که دارد در سامانه اطلاعات اقتصادی کشور نیز ایجاد اختلال می‌کند. این امر از طریق ایجاد تورش در اطلاعات اقتصادی، سیاست‌گذاری اقتصادی را از مسیر صحیح خود منحرف می‌کند که خود به نوعی مزید بر سایر معضلات قاچاق خواهد بود (اخباری، 1389: 118). اقتصادهایی که با قاچاق فراوان روبرو هستند، با ناکارآمدی در کنترل مناسبات تولیدی و توزیعی خود مواجه هستند. قاچاق کالا به نظام اطلاعات اقتصادی کشورها آسیب می‌رساند و امکان برنامه‌ریزی برای رشد بلندمدت را از بین می‌برد و از سوی دیگر، باعث کاهش درآمدهای دولت و به هم خوردن تعادل میان بخش‌های تولیدی، بازرگانی و عرضه کالا می‌شود (قلی زاده و همکاران، 1390: 110).

قاچاق به‌طور کلی از نظر ماهوی به دو شکل انجام می‌گیرد؛ از یک سو ممکن است عوامل تجاری غیر قانونی، کالایی را به‌صورت غیر رسمی و مخفیانه بدون پرداخت حقوق گمرکی و رعایت ضوابط تجاری وارد کشور کرده یا از آن خارج نمایند و از سوی دیگر، عوامل تجاری قانونی فعالیت تجاری قانونی خود را به عنوان پوششی برای انجام اعمال متقلبانه در تجارت، مانند دستکاری در اسناد تجاری قرار دهند که به این حالت شبه قاچاق گفته می‌شود (باباحیدر، 1380: 38).

مناطق مرزی از نقاط حساس و راهبردی کشور به شمار می‌روند. طبیعت منزوی و غیر حاصل‌خیز مناطق مرزی، به‌خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران، پیوسته بدلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانی بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، درآمد پایین و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی - اجتماعی این مناطق است که زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است (سازمان مدیریت، 1389). وضعیت خاص جغرافیایی این استان‌ها و برخی شرایط اجتماعی - سیاسی دیگر، حکایت از وجود شکاف‌های عمیق میان این مناطق و دیگر مناطق کشور

دارد. مسائل مربوط به توزیع ثروت، قدرت و منزلت در این مناطق جدی است. روند مرکزگرایی، منجر به بروز نوعی عدم تعادل شده است؛ به گونه‌ای که شاهد ارتقای سطح استانداردهای زندگی در استان‌های مرکزی و کاهش آن در مناطق مرزی هستیم (علیقلی، 1378: 128).

نگرش و دیدگاه‌های متفاوتی راجع به امنیت و توسعه در مناطق مرزی وجود دارد که در برخی امنیت بر توسعه مقدم و در برخی امنیت معلول توسعه است. نگرش قائم به تقدم امنیت بر توسعه قائل به انجام توسعه در بستر امنیت در مناطق مرزی است؛ بر این اساس، نخست باید امنیت برقرار باشد تا در مرحله دوم توسعه صورت گیرد. به عبارت دیگر معتقدین به این دیدگاه، تحقق امنیت را شرط لازم و مقدم بر تحقق توسعه می‌دانند. به این ترتیب در حقیقت با اولویت قائل شدن به امنیت، توسعه را ابزار تحقق امنیت می‌دانند. در چنین حالتی امنیت زمینه‌ساز اسقرار فعالیت‌ها و سکونت‌گاه‌ها با توجه به مزیت مکانی آنهاست (حافظ‌نیا، 1381: 56). نگرش دیگر، نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت است؛ این نگرش معتقد به تحقق امنیت از طریق توسعه است. از این رو اولویت اول به توسعه و الویت دوم به امنیت داده می‌شود. در واقع محور این دیدگاه بر این عقیده استوار است که توسعه نیافتگی، عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس برای تحقق امنیت در مناطق مرزی ابتدا باید توسعه به آن مناطق وارد شود و سپس نتایج توسعه، در تحقق و استقرار امنیت کمک کند (عندلیب، 1380: 193). نگرش نهایی قائل به درک متقابل توسعه و امنیت است. در این نگرش، عقیده غالب به آن نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم هستند؛ بلکه ارتباط هم عرض و هم سنگ توسعه و امنیت برای آن دارای اهمیت است (عندلیب، 1379: 13).

بر اساس دیدگاه‌های بالا می‌توان گفت که امنیت و توسعه در مناطق مرزی، با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دو سویه با یکدیگرند. به عبارت دیگر، توسعه و امنیت تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند؛ به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه و رفاه ساکنان مرزی، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت آن منطقه و به تبع آن امنیت ملی دارد و بالعکس (سعیدی و همکاران، 139: 103).

شهرستان سراوان در موقعیت جغرافیایی 63 و 35 دقیقه طول جغرافیایی و 27 درجه و 12 دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد و بخش ناهموار و نسبتاً کوهستانی شرق

جازموریان را در بر می‌گیرد که از شمال شرق و جنوب شرق به خاک پاکستان، از شمال غرب به شهرستان خاش، از غرب به شهرستان سیب و سوران و از جنوب به شهرستان سرباز محدود می‌شود. جمعیت این شهرستان بر اساس آمار سال 1390 برابر با 175728 نفر است. آب و هوای شهرستان سراوان گرم و خشک، بیابانی، کویری و کم باران است. قسمت اعظم ریزش‌های جوی این شهرستان به صورت باران زمستانه است و مقدار بارش متوسط سالانه 89/6 میلیمتر است. این شهرستان از نظر نرخ بیکاری بر اساس آمار منتشره سال 92 با 44/8 درصد سومین شهر با آمار بالا بیکاری در ایران است. این شهرستان با توجه به موقعیت جغرافیایی آن دارای 384 کیلومتر مرز مشترک با پاکستان است. اقتصاد این شهرستان به دلیل نبود واحدهای صنعتی و خشکسالی طولانی مدت بسیار ضعیف است. بیکاری گسترده، تبعیض در استخدام شهروندان در ادارات دولتی و نبود کشاورزی پویا در منطقه به دلیل کمبود منابع آب، بیش از پیش باعث شده که اقتصاد این شهرستان به‌طور مستقیم و غیر مستقیم وابسته به مبادلات مرزی غیر قانونی باشد.

مبانی نظری

مطالعات و پژوهش‌هایی در بحث قاچاق کالا در کشور عمدتاً در سطح ملی و با دیدگاه کلان انجام گرفته و کمتر به جنبه‌های اجتماعی موضوع به‌خصوص ویژگی‌های خاص جغرافیایی، معیشتی و فرهنگی مناطق مرزی پرداخته شده است. در این پژوهش ما به دنبال توضیح هر چه بهتر دلایل گرایش مردم منطقه به قاچاق و تأثیر آن از نظر مردم بر اقتصاد شهرستان هستیم.

پیشینه پژوهش

ارگبین (2012) در پژوهش خود در رابطه با تأثیر قاچاق بر اقتصاد کشورها به این نتیجه رسیده است که در بخشی از کسب و کار و صنعت، بی‌تفاوتی اولیه در برخورد با جعل، تقلب و قاچاق، عدم وجود چارچوب قانونی و نظارتی مشخص و قابل اجرا، اجرای بی اثر مقررات و فقر هماهنگی میان سازمان‌های نظارتی باعث گسترش هر چه بیشتر قاچاق می‌شود.

پژوهیان و مداح (1385) پژوهشی با عنوان بررسی اقتصادی قاچاق در ایران انجام داده‌اند که یافته‌های این پژوهش بیانگر این مطلب است که نرخ تعرفه، خطر قاچاق، نرخ ارز در بازار سیاه و نرخ ارز رسمی از عوامل مؤثر بر اندازه قاچاق و شاخص قیمت کالاهای وارداتی و درآمدهای عمومی دولت از متغیرهای تحت تأثیر قاچاق در کشور هستند.

اصلانی اسلمرز و همکاران (1394) در مطالعه خود درباره عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بنه‌ای به قاچاق کالا به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه معنی‌دار بین عوامل اجتماعی و گرایش به قاچاق کالا وجود دارد. البته این رابطه تحت تأثیر توسعه نیافتگی همه جانبه منطقه قرار گرفته است.

قلی‌زاده و همکاران (1390) در پژوهشی با عنوان «علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی» به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بودند که عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران کدامند و چه تأثیری بر نظام اقتصادی کشور دارند؟ نتایج پژوهش بیانگر این موضوع است که عوامل متعددی در قاچاق کالا در ایران مؤثر هستند؛ اما مهم‌ترین آنها به ترتیب عبارتند از: تعرفه‌های بالای کالاها، بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی، خطرپذیری پایین قاچاق، مناطق آزاد و بازارچه‌های مرزی و یارانه‌ها. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، قاچاق کالا باعث رانت خواری، نامتعادل شدن اقتصاد، عدم تعادل در قیمت کالاها، به هم ریختگی در تولید، از بین رفتن بازار کار و ناکارآمدی نظام اطلاعات کشور شده است.

کهنه‌پوشی و جلالیان (1392) در پژوهشی با عنوان «تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای شهرستان مریوان» به بررسی تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد مناطق مرزی مریوان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که قاچاق کالا عمده فعالیت روستاییان منطقه است و تأثیر مثبتی در زندگی روستاییان در زمینه اشتغال، درآمد و سایر بخش‌های اقتصادی داشته است. نتایج پژوهش همچنین بیانگر این موضوع است که بیکاری و ضعف فعالیت‌های اقتصادی از مهم‌ترین دلایل گرایش مرزنشینان به قاچاق کالا است.

ازکیا و راهنما (1387) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی قاچاق سوخت»، به بررسی و شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق در منطقه باغ شایگان مهاباد پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل، دو فرضیه

مربوط به بیکاری و محرومیت منطقه با قاچاق سوخت رابطه معنی داری داشته و فرضیه عدم فرصت برابر بر اساس یافته‌های پژوهش رد شد. نتایج پژوهش هم‌چنین نشان داد مردم به علت نبود شغل و مراکز صنعتی در منطقه، گرایش به قاچاق سوخت دارند. نتایج گویای این موضوع است که شورش، تعارضات و اعتصابات از پیامدهای قاچاق سوخت در منطقه هستند.

تبریزی و همکاران (1387) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر قاچاق اسلحه و مشروبات الکلی از مرز پیرانشهر» به سنجش رابطه میان تمایل و انگیزه به قاچاق با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، بی‌هنجاری اجتماعی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و برآورد امکانات نیروی انتظامی پرداختند. نتایج پژوهش معناداری ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، آنومی اجتماعی و وضعیت اقتصادی را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا تأیید و امکانات نیروی انتظامی در باب قاچاق کالا را بعنوان یکی از فرضیات تأثیرگذار رد کرد.

مستجابی سرهنگی و صادقی (1393) در پژوهش خود با عنوان «قاچاق کالا در مرزهای دریایی استان هرمزگان و تأثیر آن در امنیت منطقه» به بررسی شرایط قاچاق کالا در استان هرمزگان پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده ارتباط معنادار بین قاچاق کالا و امنیت مرزها در استان هرمزگان است. یعنی قاچاق کالا موجب گسترش ناامنی در مناطق مرزی شده است. سنجش ارتباط بین امنیت و توسعه مناطق مرزی نیز بیانگر معناداری بالای ارتباط آنهاست و توسعه بدون امنیت امکان‌پذیر نیست.

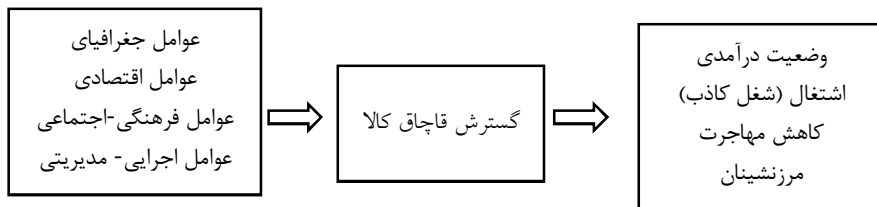
شریف و همکاران (1392) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مرزهای دریایی سیستان و بلوچستان و راه‌حلهایی برای کاهش آن» به بررسی عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا از مرزهای دریایی بندر چابهار پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مربوط به صنعت و تولیدات داخلی، عوامل مالی و اختلاف قیمت‌ها و عوامل قانونی - حقوقی بر گسترش قاچاق کالا از طرق مرزهای دریایی استان تأثیرگذارند اما تأثیر عوامل محیطی - جغرافیایی و عوامل کنترلی - نظارتی بر گسترش قاچاق کالا تأیید نشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه به صورت توصیفی، پیمایشی و تحلیلی است. روش انجام پژوهش در بخش نظری، کتابخانه‌ای و اسنادی و در بخش عملی، پیمایشی است. در روش اسنادی از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، اسناد و گزارشات سازمان‌های ذی ربط و در شیوه‌میدانی از پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده استفاده شده است. این پژوهش سعی در شناسایی عوامل مؤثر بر تمایل و گسترش قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه دارد. بدین منظور با توجه به ویژگی‌های پژوهش از منابع کتابخانه‌ای به منظور شناخت بهتر موضوع و شناسایی عوامل تأثیرگذار استفاده و پس از آن داده‌ها و اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند. محدوده مورد مطالعه پژوهش شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان در سال 1393 است. براساس فرمول کوکران از میان جامعه آماری 312 خانوار به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند که پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت. از آنجایی که هدف این پژوهش شناسایی عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه است، از آزمون‌های میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. تعیین پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ بوده که میانگین پایایی برای کل مؤلفه‌ها 0/91 به دست آمده است.

مدل مفهومی

با توجه به هدف پژوهش که مبتنی بر شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش قاچاق کالا و همچنین تأثیر آن بر اقتصاد منطقه است. مدل نظری پژوهش به صورت شماتیک در زیر ارائه شده است. در این مدل انگیزش و تمایل به گسترش قاچاق تحت تأثیر عوامل و متغیرهای جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و اجرایی - مدیریتی بوده و همچنین قاچاق کالا در مرحله بعد بر روی وضعیت درآمدی مردم، اشتغال آنها به شغل‌های مرتبط با قاچاق و کاهش مهاجرت مرزنیسان تأثیرگذار است.



شکل شماره (1): مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

از آنجایی که هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر گسترش قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه است، فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

1. بین عوامل جغرافیایی و گسترش قاچاق کالا در منطقه رابطه وجود دارد.
2. بین عوامل اقتصادی و گسترش قاچاق کالا در منطقه رابطه وجود دارد.
3. بین عوامل فرهنگی - اجتماعی منطقه و گسترش قاچاق کالا رابطه وجود دارد.
4. بین عوامل اجرایی - مدیریتی و گسترش قاچاق کالا در منطقه رابطه وجود دارد.
5. قاچاق کالا تأثیر مثبتی بر وضعیت اقتصادی (وضعیت درآمدی، اشتغال و کاهش مهاجرت مرزنیسان) شهرستان داشته است.

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پرسش‌نامه از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است که نتایج آن به قرار ذیل است:

الف: یافته‌های توصیفی

از کل حجم نمونه بر حسب وضعیت شغلی در بین سرپرست خانوارهای پاسخ‌گو، 34 درصد از پاسخ‌گویان دارای شغل دولتی، 14 درصد کشاورزی، 15 درصد تجارت مرزی و 36/5 درصد دارای شغل آزاد و خدمات هستند. میزان اشتغال صنعتی بدلیل نبود واحدهای بزرگ صنعتی در شهرستان صفر درصد است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه 47/1 درصد افراد در رده سنی 20-29 سال، 33/3 درصد دارای سن 30-39 سال و 19/6 درصد دارای رده سنی 40-50 سال هستند. همچنین از میان مصاحبه

شوندگان، 83 درصد مرد و 17 درصد آنها زن بوده اند که 53/8 درصد آنها در مناطق مرزی و 46/2 درصد در مناطق غیر مرزی سکونت داشتند.

ب: یافته‌های استنباطی

پس از ارائه یافته‌های توصیفی در این قسمت یافته‌های تحلیلی پژوهش در مورد شناسایی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در شهرستان و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه ارائه می‌گردد. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش در این بخش تقسیم‌بندی‌هایی مبتنی بر عوامل ایجاد دمی و زمینه‌ای تأثیرگذار بر قاچاق کالا صورت گرفته است.

جدول شماره (1): نتایج آزمون همبستگی

گویه	سطح معناداری	میزان همبستگی	تأیید یا عدم تأیید
عوامل جغرافیایی	0/003	0/381	تأیید
عوامل اقتصادی	0/000	0/446	تأیید
عوامل فرهنگی - اجتماعی	0/000	0/218	تأیید
عوامل اجرایی و مدیریتی	0/005	0/269	تأیید

ضریب همبستگی میان متغیرهای تأثیرگذار بر قاچاق کالا و گسترش و تمایل به قاچاق کالا در جدول شماره یک به روش پیرسون آمده است. جدول شماره یک نشان‌دهنده ارتباط بین عوامل تأثیرگذار و گسترش قاچاق کالا در منطقه است. یافته‌های جدول شماره یک نشان‌دهنده تأیید فرضیات پژوهش است. ضریب همبستگی بین عوامل جغرافیایی و گسترش و تمایل به قاچاق کالا 0/381 به دست آمده است که این امر نشانگر وجود همبستگی مثبت بین متغیرها است. همبستگی بین عوامل اقتصادی و تمایل و گسترش قاچاق کالا با توجه به نتایج جدول شماره یک، 0/446 به دست آمد که گویای وجود همبستگی مثبت بین عوامل اقتصادی و گسترش قاچاق کالا در منطقه دارد. نتایج جدول هم‌چنین گویای همبستگی مثبت بین متغیرهای عوامل فرهنگی - اجتماعی (0/218) و عوامل اجرایی و مدیریتی (0/269) با تمایل و گسترش قاچاق کالا است. نتایج جدول گویای این موضوع است که بین عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و اجرایی - مدیریتی با متغیر وابسته پژوهش یعنی گسترش و تمایل به قاچاق کالا ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره (2): نتایج آزمون میانگین و انحراف معیار

انحراف معیار	میانگین	گویه
4/72	14/37	عوامل جغرافیایی
7/88	21/4	عوامل اقتصادی
4/63	12/69	عوامل فرهنگی - اجتماعی
4/61	15/14	عوامل اجرایی - مدیریتی

به منظور شناسایی مهم‌ترین عامل از میان عوامل تأثیرگذار بر گسترش قاچاق در شهرستان از پاسخ‌گویان درخواست شد نظر خود را در این زمینه ارائه نمایند. جدول شماره دو نشان می‌دهد از میان متغیرها تأثیرگذار، عوامل اقتصادی دارای بالاترین تأثیر و عوامل فرهنگی - اجتماعی دارای کمترین تأثیر بر گسترش قاچاق کالا در شهرستان هستند. براساس نظر پاسخگویان در گویه عوامل جغرافیایی وجود مرزهای طولانی شهرستان، در گویه عوامل اقتصادی بیشترین تأثیر مربوط به وجود بیکاری، در گویه عوامل فرهنگی - اجتماعی، باور به بد و نادرست ندانستن تجارت مرزی و همچنین در گویه عوامل اجرایی - مدیریتی، عملکرد ضعیف بازارچه‌های مرزی و وجود قوانین و محدودیت‌ها مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل هستند

جدول شماره (3): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه پژوهش

متغیر	t آماره	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
تأثیر بر وضعیت درآمدی شهرستان	7/32	3/83	1/19	0/000
تأثیر بر اشتغال	6/25	3/71	1/19	0/000
تأثیر بر کاهش مهاجرت مرزنشینان	4/92	3/55	1/16	0/000

جدول شماره سه نشان‌دهنده تأثیر قاچاق کالا می‌باشد. به منظور بررسی فرضیه مرتبط با تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد منطقه از آزمون t تک نمونه استفاده شده است. از آنجا که برای ارزیابی تأثیرگذاری قاچاق کالا از مقیاس لیکرت استفاده شده و پاسخ‌ها از خیلی ضعیف تا خیلی قوی (1 تا 5) نمره‌گذاری شده‌اند؛ بنابراین عدد 3 به عنوان حد وسط انتخاب شده است و میانگین هر یک از متغیرها برحسب آن مقایسه شده است. میانگین بالای 3 به معنی پذیرش فرضیه‌های پژوهش است. همانگونه که نتایج جدول نشان می‌دهد با توجه به اینکه میانگین‌های تأثیر بر وضعیت درآمدی (3/83)، تأثیر بر اشتغال شهرستان (3/71) و تأثیر بر کاهش مهاجرت مرزنشینان (3/55)، بالاتر از حد

وسط هستند؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت قاچاق کالا بر وضعیت اقتصادی منطقه تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

استان سیستان و بلوچستان با دارا بودن 1500 کیلومتر مرز آبی و خاکی یکی از استان‌های با بالاترین آمار قاچاق کالا در کشور است. این استان دارای پایین‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی و همچنین از محروم‌ترین استان‌های کشور نیز است. اختصاص غیر اصولی منابع و امکانات کشور باعث ایجاد عدم توازن و نابرابری معیشتی بین مراکز مختلف در کشور و همچنین باعث فاصله گرفتن کشور از برنامه‌های توسعه منطقه‌ای شده است. به‌گونه‌ای که ضعف زیربنای تولیدی، فقر، بیکاری، بی‌سوادگی و پایین بودن شاخص‌های توسعه از مهم‌ترین ویژگی‌های مناطق مرزی جنوب شرق کشور هستند. بیکاری گسترده، نبود امنیت اقتصادی و پایین بودن سطح درآمدی مردم از عوامل عمده گرایش به مبادلات مرزی غیرقانونی در منطقه است. با توجه به بن بست بودن و انزوای جغرافیای شهرستان سراوان، بالا بودن نرخ بیکاری و نزدیکی مرز پاکستان، قاچاق کالا مخصوصاً قاچاق سوخت در حد بالایی در این منطقه رواج دارد. اقتصاد شهرستان با توجه به نبود واحدهای صنعتی و ضعف بخش کشاورزی بدلیل کم آبی و خشکسالی طولانی مدت وابسته به تجارت مرزی است بگونه‌ای که باز یا بسته بودن مرز شهرستان تأثیر مستقیمی بر زندگی ساکنان شهرستان دارد. در این مقاله سعی بر آن شده است تا علل گسترش و گرایش به قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد منطقه سراوان مورد بررسی قرار گیرد. برای ارزیابی علل گسترش و گرایش مردم به قاچاق کالا چهار فرضیه و به منظور بررسی تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد شهرستان یک فرضیه ارائه شد. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل جغرافیای، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و عوامل اجرایی- مدیریتی در گسترش و گرایش به قاچاق کالا در شهرستان تأثیرگذارند و از نظر شهروندان به ترتیب عوامل اقتصادی بالاترین و عوامل فرهنگی- اجتماعی دارای کمترین اهمیت بر گسترش قاچاق کالا هستند. آزمون فرضیه مربوط به تأثیر قاچاق بر وضعیت اقتصادی شهرستان گویای تأثیر مثبت قاچاق کالا بر وضعیت اقتصادی شهروندان است. نتایج پژوهش نشان داد قاچاق کالا تأثیر مثبتی بر وضعیت

درآمدی، اشتغال (شغل‌های مرتبط با قاچاق کالا) و کاهش مهاجرت مرزنشینان به شهرها و حتی باعث بازگشت مهاجران اولیه بدلیل نبود کار و سودآور بودن قاچاق به مناطق مرزی شده است. بررسی نتایج پژوهش هم‌چنین نشان می‌دهد وجود مرزهای طولانی شهرستان، وجود بیکاری، باور به نادرست و قاچاق نبودن تجارت مرزی و هم‌چنین عملکرد ضعیف بازارچه‌های مرزی و وجود قوانین و محدودیت‌ها مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل گرایش و گسترش قاچاق کالا در شهرستان هستند.

پیشنهادها

از آنجایی که قاچاق کالا محصول عوامل مختلفی (اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی) است، برای کاهش آن نیاز به برنامه‌ریزی همه‌جانبه است و تنها از طریق برخوردهای نظامی و امنیتی نمی‌توان این پدیده را کنترل کرد. همان‌طور که نتایج پژوهش نشان می‌دهد، عمده مشکل منطقه مرزی سراوان نبود شغل پایدار (نرخ بیکاری حدود 45 درصد) و پایین بودن سطح درآمدی و معیشتی مردم است که خود معلول فقدان زیرساخت‌های تولیدی، تبعیض در استخدامات دولتی حتی برای تحصیل‌کردگان با مدرک بالای دانشگاهی، خشکسالی و نبود زیرساخت‌های کشاورزی است؛ بنابراین موارد ذیل به‌عنوان پیشنهاد برای بهبود هر چه بهتر شرایط ارائه می‌شود:

1. ایجاد اشتغال و درآمد پایدار در حوزه‌های شهری و روستایی مناطق شهرستان. دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری و هم‌چنین صرف بخشی از اعتبارات مبارزه فیزیکی با قاچاق کالا و انسداد مرزها از طریق سرمایه‌گذاری‌های مولد هم باعث کاهش بیکاری و هم ایجاد منبع درآمدی برای خانوارها و ارتقاء وضعیت معیشتی مردم منطقه شود.
2. تسهیل و گسترش تجارت مرزی قانونی در قالب تجارت چمدانی و هم‌چنین اجرای طرح فروش قانونی سوخت توسط مرزنشینان تا شعاع 20 کیلومتر مرز.
3. بهبود عملکرد بازارچه‌های مرزی. متأسفانه عملکرد ضعیف بازارچه‌های مرزی شهرستان نتوانسته اهداف تأسیس آنها را توجیه اقتصادی نماید و این خود دلیلی شده بر گسترش تجارت غیر قانونی در شهرستان. از این سوی نیاز به

ارزیابی عملکرد و شناسایی دلایل عدم موفقیت بازارچه‌ها از طرف دولت ضروری به‌نظر می‌رسد.

4. از آنجایی که بر اساس نتایج پژوهش، قاچاق کالا تأثیر مثبتی بر وضعیت اقتصادی منطقه دارد، نیاز است منبع درآمد جدیدی برای کم‌رنگ کردن نقش قاچاق با توجه به خطر بالا و غیر قانونی بودن آن از طریق تقویت گردشگری در منطقه صورت گیرد.

5. حمایت و ایجاد کارگاه‌های کوچک تعاونی در مناطق روستایی شهرستان.

6. تلاش برای از بین بردن تبعیضات در استخدام‌های دولتی و به‌کارگیری نیروهای بومی در دستگاه‌های تصمیم‌گیر شهرستان.

7. رفع مشکلات و موانع بخش کشاورزی شهرستان و استفاده از ظرفیت‌های محصولات باغی، زراعی و دامی جهت بهبود وضعیت اشتغال و درآمدی شهروندان.

- اصلانی اسلمرز، عابد؛ دیندارلو، سعید؛ اصلانی اسلمرز، امید (1394). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بانه‌ای به قاچاق کالا (زمینه‌ها و راه‌کارها). فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره 7، شماره 2، صص 33-56.
- اخباری، محمد؛ اخباری، مهدیه؛ آقابابایی، رضا (1389). کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی تجارت قانونی در ایران. فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره 7، شماره 4، صص 117-149.
- ازکیا، مصطفی؛ راهنما، یوسف (1387). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق سوخت (مطالعه موردی باغ شایگان مهاباد). پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال 2، شماره 2، صص 35-48.
- باباحیدر، ساغر (1380). بررسی و اندازه‌گیری عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیر رسمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- پژویان، جمشید؛ مجید، مداح (1385). بررسی اقتصادی قاچاق در ایران. پژوهشنامه اقتصادی، شماره 20، صص 43-70.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (1381). رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین. مجموعه مقالات همایش آمایش دفاع و سرزمین، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (1378). اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- سعیدی، علی‌اصغر؛ اسماعیل‌زاده، خالد؛ عبدالله‌پور، جمال (1388). بررسی جامعه‌شناختی اقتصادی بازارچه‌های مشترک مرزی (مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر). فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 46، صص 93-133.
- شریف، مصطفی؛ حسین بر، اسلم؛ بخشنده، قاسم (1392). بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مرزهای دریایی سیستان و بلوچستان و راحل‌هایی برای کاهش آن. اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران.
- علینقی، امیرحسین (1378). داده‌هایی از عدم تعادل در جامعه ایران: استان‌های مرزی. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 5 و 6.
- عندلیب، علیرضا (1379). آمایش مناطق مرزی با تأکید بر ملاحظات امنیتی - دفاعی (مطالعه موردی خوزستان). جلد اول، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران.
- عندلیب، علیرضا (1380). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی. تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد سپاه.

- قلی‌زاده، سیدابراهیم؛ علی‌پور، عباس؛ ذوقی بارانی، کاظم (1390). علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه دانش انتظامی، سال 12، شماره 4، صص 109-142.
- کهنه‌پوشی، سیدهادی؛ جلالیان، حمید (1392). تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی مریوان (مطالعه موردی بخش خاور و میرآباد شهرستان مریوان). مجله جغرافیا و توسعه، شماره 32، صص 61-74.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ نایب‌پور، محمد؛ فریدمهر، رحیم (1387). عوامل مؤثر بر قاچاق اسلحه و مشروبات الکلی از مرز پیرانشهر. فصلنامه مدیریت انتظامی، شماره 2، صص 192-198.
- مستجابی سرهنگی، حمید؛ صادقی، محمد (1393). قاچاق کالا در مرزهای دریایی استان هرمزگان و تأثیر آن در امنیت منطقه. فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره 6، شماره 1، صص 103-124.
- Aregbeyen, Omo (2012). An Investigation of the Severity, Causes, Impact and Actions against Counterfeiting and Smuggling in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol. 3 (1), p: 379-392.

